مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.

همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه‌ای برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمدا اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.

مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

صلح در خاورمیانه، چالش جدید آمریکا پس از توافق با ایران

دالیا داسا کایه: اینکه توافقنامه هسته‌ای نهایی ایران در اسرائیل و عربستان‌سعودی با مخالفت روبه‌رو شد، تعجب‌آور نیست. همانگونه که یک سال پیش گفتیم، بعید بود عربستان از توافق هسته‌ای ایران استقبال کند، حتی اگر پاسخ رسمی این کشور به این توافق، ملایم بوده باشد. «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل بار دیگر اعلام کرد این توافقنامه «یک اشتباه تاریخی» است. سعودی‌ها هم انتقاد شدیدتر این توافقنامه را به مقامات سابق این کشور همچون «بندر بن سلطان» واگذار کردند که گفت این توافقنامه بدتر از توافق با کره‌شمالی است. اطلاع از جزئیات این توافقنامه احتمالاً تغییری در دیدگاه‌های عربستان و اسرائیل ایجاد نخواهد کرد، چرا که از نظر آنها، تهدید ایران همواره بسیار فراتر از موضوع هسته‌ای این کشور بوده است. صرفنظر از خوب یا بد بودن این توافقنامه، از دیدگاه همسایگان این کشور، این توافق از این کشور اشتباه بود، چرا که به منزله مشروعیت بخشیدن به نظام جمهوری اسلامی و فعالیت‌های شورواته این کشور در منطقه بود.

نگرانی اولیه اسرائیل ارتباط نزدیک با گروه‌هایی است که اسرائیل را با موشک‌های بیرد هدف قرار می‌دهند. بسیاری از اعضای تشکیلات امنیتی اسرائیل از ایران به‌عنوان تهدیدی برای موجودیت خود (آنها می‌دانند اسرائیل توانمندی دفاعی قابل‌توجه دارد) بسیار کمتر نگرانند تا اتحال استفاده این کشور از پوشش هسته‌ای برای رفتار تهاجمی در سطح متعارف. از نظر عربستان، نگرانی از نفوذ فزاینده شیعه از زمان شروع جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ در پی بروز بهار عربی تشدید و باعث شده است ایران به مداخله در کشورهای مختلف منطقه از سوریه گرفته تا کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس متهم شود. این جنبه فرقه‌ای موجب رقابت راهبردی فزاینده بین تهران و ریاض شده است؛ رقابتی که در درگیری‌های نیابتی خطرناک در سراسر منطقه تبلور یافته است. در پایان، این کشورها همچنین توافق هسته‌ای با ایران را به منزله راهبرد گسترده‌تر برای ایجاد روابط حسنه بین آمریکا و ایران درست در زمانی می‌دانند که شاهد کاهش نفوذ آمریکا در منطقه هستند. دلایل دیگر برای تردید درباره توافقنامه وجود دارد؛ توافقنامه‌ای که منجر به تغییر راهبرد اساسی رویکرد واشنگتن در قبال ایران نشده است. مسائل مورد اختلاف ایران و آمریکا بسیار شدیدتر از آن است که یک‌شبه حل شود و این کار دشوار به یکدیگر نزدیک کند اما نتایج برداشت‌ها از توافق در منطقه اهمیت زیادی دارد و این برداشت که ایران به واکنش‌های وی توافق پیروز شده است، جلب حمایت و طرق بازیگران منطقه‌ای را از این توافقنامه دشوار خواهد ساخت.

خبر خوب این است که پیش‌بینی نمی‌شود این توافق، مسائل مورد اختلاف ایران و آمریکا را به‌طور شدیداللحن خود، اقدامات شدیدی برای مانع‌تراشی در اجرای این توافقنامه صورت دهند و با وجود نگرانی‌های فزاینده از بی‌نتیجه بودن تاکتیک‌های تنابناهو، وی قادر داده است برای جلوگیری از تصویب و اجرای این توافقنامه که در کنگره در حال بررسی است، مبارزه کند؛ اقدامی که موجب آسیب زدن بیشتر به روابط تل‌آویو- واشنگتن می‌شود.

اما اگر این توافقنامه در نهایت تصویب و اجرا شود، بسیار بعید است اسرائیل به‌عنوان کماکان نزدیک‌ترین متحد آمریکا) و به دنبال توافقنامه‌ای که به طور گسترده در جامعه بین‌المللی تصویب شده است، به ایران حمله کند.

اسرائیل به احتمال زیاد با واقعیت‌های موجود و ایمن توافقنامه کنار خواهد آمد، برای حفظ تحریم‌های غیرهسته‌ای علیه ایران تلاش خواهد کرد و در صف مقدم تلاش‌ها برای آشکار کردن فریبکاری‌های احتمالی ایران قرار خواهد گرفت.

با وجود اظهارات مقامات سابق سعودی مبنی بر اینکه عربستان حق رقابت با توانمندی‌های هسته‌ای ایران را دارد و خودداری وزیر خارجه عربستان از منتفی دانستن این احتمال، اجرای این سناریو همچنان بعید به نظر می‌رسد. اوباما تا همین حالا نیز درباره پیامدهایی که ممکن است اقدام عربستان در انتخاب این گزینه داشته باشد، به طور علنی هشدار داده است. همچنین با وجود تردید درباره توانمندی عربستان در توسعه برنامه هسته‌ای خاص خود و توضیح مبنی بر اینکه سعودی‌ها ممکن است از طریق پاکستان به دانش هسته‌ای دست یابند، این احتمال همچنان بعید است. واکنش احتمالی در عربستان، تشدید رویارویی با ایران در جبهه‌های غیرهسته‌ای بویژه در سوریه و یمن خواهد بود. احتمال می‌رود عربستان از این جبهه‌های غیرهسته‌ای برای تقویت رهبری منطقه‌ای و نوعی ابزار دفاعی در برابر نزدیکی روابط ایران- آمریکا استفاده کند.

هم اینن نارضایتی‌های منطقه‌ای از توافق هسته‌ای ایران و نقش گسترده‌تر ایران در منطقه مستلزم مدیریت سختگیرانه و فعال آمریکا خواهد بود. در شرایط موجود آمریکا باید بیش از هر زمان دیگر برای دلگرمی دادن به شرکای خود و رفع نگرانی‌های آنها به آنها نزدیک شود. بخش عمده این رویکرد از طریق پیشبرد فوری تسلیحات، تضمین‌های امنیتی و تقویت همکاری دفاعی با اسرائیل و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس در دست اجراست.

اما راهکار آمریکا بایستی فراتر از این تدابیر قابل پیش‌بینی باشد. توافق هسته‌ای با ایران اقدامی در تامین امنیت ملی آمریکا و همچنین منافع شرکای این کشور در منطقه است. در واقع، این توافق می‌تواند مانع بروز گزینه خطرناک احتمالی - حمله یازدارنده به تاسیسات هسته‌ای ایران- توسط اسرائیل شود. در مورد سعودی‌ها هم این توافق ایرانی‌ها را از دستیابی به آنچه موجب تحریک ریاض برای رقابت می‌شود، بازخواهد داشت.

تضمین‌هایی که آمریکا به تل‌آویو و ریاض می‌دهد باید متوازن باشد. همچنین آمریکا در تعامل با این دو باید درباره مسئولیت‌های متقابلی که در روابط با آمریکا دارند، صادقانه تبادل‌نظر کند. آمریکا نیز به نوبه خود در زمینه سیاست خارجی منطقه، اشتباهاتی شبیه به آنچه که موجب خشمگین شدن وجهه این کشور به‌عنوان تضمین‌کننده معتبر امنیت شده است، با این همه و با وجود نگرانی‌های چشمگیر درباره رفتار ایران، راهبردی آمریکا در منطقه کشوری قدرتمندتر از آمریکا حامی امنیت اسرائیل نبوده است. همچنین واشنگتن از حمله نظامی سعودی‌ها به یمن حمایت کرده است. آمریکا در برابر این حمایت‌های دوگانه از اهداف نگرانی علنی از سوی دولت نتانیاهو روبه‌رو شده است که چندان خصمانه نیست. همچنین با وجود اختلافات ریاض و واشنگتن بر سر سوریه و مدیریت بهار عربی، عربستان- هر چند اندک- اما هنوز هم به آمریکا اعتماد دارد. به هر حال همکاری متقابل اسرائیل با عربستان همچنان ادامه دارد.

پایگاه اینترنتی نشنال اینترست

حضور آمریکا در قاره آفریقا

سفر این هفته باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا به آفریقا در شرایطی صورت می‌گیرد که آمریکا حضور بویژه حضور نظامی را در جنوب صحرای آفریقا افزایش داده؛ اگر چه این حضور هنوز محدود است.

در زمینه مبادلات اقتصادی، آمریکا هنوز از چین و اتحادیه اروپایی فاصله زیادی دارد.

■ **حضور نظامی هدفمند**

آمریکا حضور نظامی نسبتا کمرنگی در آفریقا دارد که بیش از هر چیز بر مشاوره دهی به ارتش‌های محلی و عملیات ضدتروریستی علیه گروه‌های افراطی متمرکز است. ژنرال «دیوید رودریگز» فرمانده نیروهای آمریکایی برای آفریقا که مقر آن در «اشتوتگارت» آلمان است، به‌تازگی اعلام کرد: «تلاش‌های ما در قاره آفریقا بر راه‌های ابتلایی و خلاقانه برای داشتن عناصر بسیار کم در محل به منظور مشورت دادن و یاری‌رسانی به کشورهایی است که با گروه‌های تندرو مبارزه می‌کنند».

وی همچنین گفت: «نیازاریم در حال حاضر ما نفعی در داشتن تعداد قابل توجهی نیروی آمریکایی مستقر در آفریقا نمی‌بینیم. از سوی دیگر، شرکای آفریقایی ما نیز خواستار چنین چیزی نیستند».

تنها پایگاه نظامی دائمی آمریکا در قاره آفریقا در جیبوتی است. این پایگاه سال ۲۰۰۳ در چارچوب اصلاحات امنیتی آمریکا که پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شده، دایر شده. به گفته یک مسؤول دفاعی، نزدیک به ۲۲۰۰ نظامی و غیرنظامی آمریکایی در این پایگاه در جیبوتی که در حیات تامین امنیت ملی آمریکا و همچنین منافع شرکای این کشور در منطقه است. در واقع، این توافق می‌تواند مانع بروز گزینه خطرناک احتمالی - حمله یازدارنده به تاسیسات هسته‌ای ایران- توسط اسرائیل شود. در مورد سعودی‌ها هم این توافق ایرانی‌ها را از دستیابی به آنچه موجب تحریک ریاض برای رقابت می‌شود، بازخواهد داشت.

تضمین‌هایی کـه آمریکا به تل‌آویو و ریاض می‌دهد باید متوازن باشـد. همچنین آمریکا در تعامل با این دو باید درباره مسؤولیت‌های متقابلی که در روابط با آمریکا دارند، صادقانه تبادل‌نظر کند. آمریکا نیز به نوبه خود در زمینه سیاست خارجی منطقه، اشتباهاتی شبیه به آنچه خشـمگین شدن وجهه این کشور به‌عنوان تضمین‌کننده معتبر امنیت شده است، با این همه و با وجود نگرانی‌های چشمگیر درباره رفتار ایران، راهبردی آمریکا در منطقه کشـوری قدرتمندتر از آمریکا حامی امنیت اسرائیل نبوده است. همچنین واشـنگتن از حمله نظامی سعودی‌ها به یمن حمایت کرده است. آمریکا در برابر این حمایت‌های دوگانه از اهداف نگرانی علنی از سوی دولت نتانیاهو روبه‌رو شده است که چندان خصمانه نیسـت. همچنین با وجود اختلافات ریاض و واشـنگتن بر سر سوریه و مدیریت بهار عربی، عربسـتان- هر چند انـدک- اما هنوز هم به آمریکا اعتماد دارد. به هر حال همکاری متقابل اسـرائیل و عربسـتان همچنان ادامه دارد.

پایگاه اینترنتی نشنال اینترست

موضع تدافعی کاخ‌سفید در برابر نمایندگان کنگره در قبال توافق هسته‌ای

دولت اوباما مجبور شـده است در برابر انتقادهای نمایندگان مجلس آمریکا از به رای گذاشته شدن جمع‌بندی گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در شورای امنیت سازمان ملل موضع تدافعی اتخاذ کند.

نمایندگان هر دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در مجلس آمریکا، تصمیم دولت این کشور را مبنی بر به رای گذاشته شدن جمع‌بندی گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در شورای امنیت سـازمان ملل، پیش از اظهارنظر آنان درباره توافق، به باد انتقاد گرفتند.

«جان کری» وزیر خارجه آمریکا، «جک لو» وزیر خزانه‌داری، «لرنسـت مونیز» وزیر انرژی و یک مقام اطلاعاتی این کشـور جداگانه در نشسـت‌های پرسش و پاسخ مجلس نمایندگان و سنا برای ارائه توضیح درباره اقدام شورای امنیت در تایید جمع‌بندی گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ شرکت کردند.

پس از آنکه شورای امنیت به اتفاق آرا توافق را تصویب کرد، جمهوری‌خواهان به این اسـتدلال روی آوردند که کاخ‌سفید در تلاش برای جلب حمایت بین‌المللی بـرای توافق، وقت خیلی کمی برای به‌دست آوردن موافقت کنگره، اختصاص داده است.

برخـی دموکرات‌ها نیز دولت را مورد سـرزنش قـرار داده و خاطرنشان کردند راهکار کاخ‌سـفید برای در فشار قرار دادن و جلب حمایت کنگره از توافق با توسـل به رای شـورای امنیت، ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد.

«لیوت لنجا» نماینده دموکرات در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان به همراه «ام روس» نماینده جمهوری‌خواه ایالت کالیفرنیا و رئیس این کمیته، در بیانیه‌ای مشترک اظهار داشتند از اینکه شورای امنیت سازمان ملل پیش از آنکه کنگره آمریکا بتواند توافق را بررسـی و آن را به رای بگذارد آن را تصویب کرده است، ناامید شده‌اند. این بیانیه می‌افزاید: «صرفنظر از رای شورای امنیت، کنگره نقش خود را ایفا خواهد کرد».

مقام‌های دولت، اما در واکنش به این انتقادها گفتند نماینده‌گان هنـوز وقت و سـه فرصت دارنـد در این بـاره تصمیم‌گیری کنند. جـان کری تاکید کـرد دولت ابدا در وظایـف کنگره دخالت و دست‌اندازی نکرده است.

وی افزود: «دولت در موضعی دشـوار قرار دارد. از یک طرف باید انتقادهای داخلی را پاسـخگو باشد و از سوی دیگر ایران و دیگر کشورهای حاضر در گفت‌وگوهای هسته‌ای، با این موضوع که دسـتگاه قانونگذاری یک کشـور توافق بین‌المللـی آنان را نگرفتن بگیرد، مخالفت خواهند کرد».

کری خاطرنشان کرد: «صادقانه بگویم برخی از این کشورها به‌عنوان کشورهایی که دارای حاکمیت مسـتقل هستند، در برابر این ایده که باید در معرض کنتـرو آسیب‌پذیر باشـند کاملا مقاومت می‌کردند. وقتی داریم با ۶ کشور دیگر گفت‌وگو می‌کنیم، خیلی شمار آنها ممکن است به ۳۰۰ تن برسد.

آمریکا همچنین زمستان گذشته تعداد زیادی نظامی را برای کمک به مقابله با شیوع ویروس ابولا در غرب آفریقا مستقر کرد. شمار این سربازان در اوج عملیات به ۳۸۰۰ نفر رسید.

■ **حضور اقتصادی با فاصله‌ای زیاد از چین**

باراک اوباما ۲۹ ژوئن پیش‌نویس قانونی را که آگوا (African Growth and Opportunity Act) نام دارد (قانون رشـد و فرصت در آفریقا) برای ۱۰ سـال دیگر تمدید کرد. این قانون ابـزار اصلی مبادلات اقتصـادی بین آمریکا و جنوب صحرای آفریقاسـت. این برنامه که در دوره ریاسـت جمهوری «بیل کلینتون» در سال ۲۰۰۰ به اجرا گذاشته شد، مزایای تجاری به برخی محصولات آفریقایی اختصاص می‌دهد. مبادلات تجاری بیـن آمریکا و آفریقا در سـال ۲۰۱۴ به ۷۳ میلیارد دلار رسید که ۳۸ میلیارد آن صادرات و ۳۵ میلیارد آن واردات بود؛ با تراز ۳/۵ میلیارد دلاری برای آمریکا. حجم مبادلات آمریکا با کنیا جایی که باراک اوباما به آنجا سفر می‌کند، در سال ۲۰۱۴ به ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار رسید با مازاد یک میلیارد دلاری به نفع آمریکا. در حالی که حجم مبادلات با اتیوپی که رئیس‌جمهور آمریکا در اداده سفرش به آنجا مـی‌رود، یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار بود که ونزه آمریکا در اینجا نیز ۱/۵ میلیارد دلار سنگین‌تر بود.

سـال ۲۰۱۴ واردات کشورهای آفریقایی به آمریکا در چارچوب این برنامه رقم نزدیک به ۱۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بود که با این حال ۴۷ درصد نسبت به سـال گذشته کاهش داشت و علت آن هم سقوط ۵۵ درصدی واردات نفت بود. ۵ کشور که بیشترین سود را از این برنامه بردند عبارتند از آنگولا، نیجریـه، آفریقای جنوبی، چاد و گابن. کنیا در بین ۱۰۰ کشـور اول است. در مقایسـه با چین و اتحادیه اروپایی باید خاطرنشان کرد مبادلات بین اروپا با آفریقا بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار در سال اسـت و مبادلات تجاری اتحادیه اروپایی با این قاره به حدود ۱۴۰ میلیارد دلار می‌رسد که آمریکا فاصله بسیار زیادی با آنها دارد.

خبرگزاری فرانسه

دفاع از چکمه‌پوش بی‌سواد در دانشگاه!

تاریخ ادامه از صفحه اول

ـ توافـق هسـته‌ای را بـا قطعنامه۸۹۸ و... تطبیق داد و الی ماشـاءالله تا دلتان بخواهد صغری و کبری برای حصول همین «توافق به هر قیمتی» ترتیب داد. اش مواجهه غیرتخصصی این جریان و روزنامه‌های زنجیره‌ای با «مذاکرات هسته‌ای» آنقدر شـور شده است که اخیرا در گزارشی تحقیقی که یک روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب صـورت داده، بر این مواجهـه غیرفنی، کلی و غیرمصداقی تصریح شـده اسـت. مواجهه احسـاسـی و در کل تـبدیل موضوع توافق از یک مسـأله فنی به یک موضوع احسـاسـی بـرای خنثی کردن نقدهای فنی، بی‌توجهی به متن و محتوای توافـق از منظر فنی، فراخواندن به جشـن‌های خیابانی برای بعد از توافق، توهین و برچسب زدن به منتقدان فنی، ناراحتی و عصبانیت از شـعار «مرگ بر آمریکا» در روز تشـییع شهدای غواص و آن را مخالف مسـیر مذاکـره تلقی کردن، حاشـیه‌سازی و حاشـیه‌پردازی، قهرمان‌سازی برای واکسـینه کردن مخاطب از هرگونه نقدی نسبت به تیم مذاکره‌کننده، معادل کردن توافق هسـته‌ای با موضوع ارتباط با آمریکا، بزک دوباره و دوباره آمریکا، بزرگنمایی تاثیر تحریم‌ها بر اقتصاد و فرهنگ و همه شـئون زندگی، تئوریزه‌کـردن تطبیق‌های مختلف دینـی و تاریخی با مذاکـرات، روبابازی و انعکاس مطالب غیرواقعی برای بعد از توافق و به طور مشخص بـه راه انداختن یک پوپولیسـم رسـانه‌ای پیرامون مذاکرات تنها بخشـی از تلاش جریان «توافق به هر قیمتـی» بود که مذاکـرات را صرفا با نیم نگاهی به اسفندماه و انتخابات مجلس دنبال می‌کرد. این مسأله آنقدر واضح بود که یک اصلاح‌طلب اسبق و رسـمی‌تر بعد از بیانیه لوزان گفته بود: «میوه لوزان را در بهارستان باید چیـد.» اما فارغ از موضوع محتـوای مذاکرات، خوشـحالی و روبابازی‌هایی که برخی برای بعد از توافق در ذهن دارند و بر زبان می‌آورند و در روزنامه‌ها به تصویر می‌کشند، هم قابل تامل و هم سوال‌برانگیز اسـت. البته وقتی بیشـتر دقت می‌کنیم و می‌بینیم این جریان سابقه دفاع از رضاخان و سابقه همه تحرکات محیرالعقولی را که در بالا آوردیم دارد، از شـدت این عجب کم می‌شـود؛ وقتی در قامت اسـتاد دانشگاه و روی کرسـی دانشگاه از رضاخان بی‌سـواد و قلدر دفاع شـود و دقیقا تکیه‌زنان روی همان کرسـی دانشگاه بی‌توجه به علم و پیشرفت و تحصیل و آکادمی و... و بی‌توجه‌تر به این همه آثار و برکات موضوع هسـته‌ای در انرژی و پزشکی و...می‌گویند: «از چاه هسـته‌ای آبی درنمی‌آیـد»! برخی از اینهـا که ادعای ملی‌گرایی و دفـاع از مردم را هم البته در برخی موارد دارند، حالا و در روزهایی که خبر حضور یکی از متهمان پرونده انتقال خورهای آلوده به ایران و یکی از عاملان انتقال ایدز به ایران مطرح است سکوت کرده‌اند به فراموشی ظلم، مثل سکوتی که درباره پرواز ۶۵۵ و ناو ویسـنس داشـته‌اند، مثل سـکوت برای عاملیـت آمریکا در ۲۸مرداد و سال‌های جنگ که همین اخیرا هم خود گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ شـ کرد کردند.

پس از آنکه شورای امنیت به اتفاق آرا توافق را تصویب کرد، جمهوری‌خواهان به این اسـتدلال روی آوردند که کاخ‌سـفید در تلاش برای جلب حمایت بین‌المللی بـرای توافق، وقت خیلی کمی برای به‌دسـت آوردن موافقت کنگره، اختصاص داده اسـت.

برخـی دموکرات‌ها نیز دولت را مورد سـرزنش قـرار داده و خاطرنشان کردند راهکار کاخ‌سـفید برای در فشار قرار دادن و جلب حمایت کنگره از توافق با توسـل به رای شـورای امنیت، ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد.

«لیوت لنجا» نماینده دموکرات در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان به همراه «ام روس» نماینده جمهوری‌خواه ایالت کالیفرنیا و رئیس این کمیته، در بیانیه‌ای مشترک اظهار داشتند از اینکه شورای امنیت سازمان ملل پیش از آنکه کنگره آمریکا بتواند توافق را بررسـی و آن را به رای بگذارد آن را تصویب کرده اسـت، ناامید شده‌اند. این بیانیه می‌افزاید: «صرفنظر از رای شورای امنیت، کنگره نقش خود را ایفا خواهد کرد».

مقام‌های دولت، اما در واکنش به این انتقادها گفتند نماینده‌گان هنـوز وقت و سـه فرصت دارنـد در این بـاره تصمیم‌گیری کنند. جـان کری تاکید کـرد دولت ابدا در وظایـف کنگره دخالت و دست‌اندازی نکرده است.

وی افزود: «دولت در موضعی دشـوار قرار دارد. از یک طرف باید انتقادهای داخلی را پاسـخگو باشد و از سوی دیگر ایران و دیگر کشورهای حاضر در گفت‌وگوهای هسته‌ای، با این موضوع که دسـتگاه قانونگذاری یک کشـور توافق بین‌المللـی آنان را نگرفتن بگیرد، مخالفت خواهند کرد».

کری خاطرنشان کرد: «صادقانه بگویم برخی از این کشورها به‌عنوان کشورهایی که دارای حاکمیت مسـتقل هستند، در برابر این ایده که باید در معرض کنتـرو آسیب‌پذیر باشـند کاملا مقاومت می‌کردند. وقتی داریم با ۶ کشور دیگر گفت‌وگو می‌کنیم، خیلی شمار آنها ممکن است به ۳۰۰ تن برسد.

آمریکا همچنین زمستان گذشته تعداد زیادی نظامی را برای کمک به مقابله با شیوع ویروس ابولا در غرب آفریقا مستقر کرد. شمار این سربازان در اوج عملیات به ۳۸۰۰ نفر رسید.

■ **حضور اقتصادی با فاصله‌ای زیاد از چین**

باراک اوباما ۲۹ ژوئـن پیش‌نویس قانونی را که آگوا (African Growth and Opportunity Act) نام دارد (قانون رشـد و فرصت در آفریقا) برای ۱۰ سـال دیگر تمدید کرد. این قانون ابـزار اصلی مبادلات اقتصـادی بین آمریکا و جنوب صحرای آفریقاسـت. این برنامه که در دوره ریاسـت جمهوری «بیل کلینتون» در سال ۲۰۰۰ به اجرا گذاشته شد، مزایای تجاری به برخی محصولات آفریقایی اختصاص می‌دهد. مبادلات تجاری بیـن آمریکا و آفریقا در سـال ۲۰۱۴ به ۷۳ میلیارد دلار رسید که ۳۸ میلیارد آن صادرات و ۳۵ میلیارد آن واردات بود؛ با تراز ۳/۵ میلیارد دلاری برای آمریکا. حجم مبادلات آمریکا با کنیا جایی که باراک اوباما به آنجا سفر می‌کند، در سال ۲۰۱۴ به ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار رسید با مازاد یک میلیارد دلاری به نفع آمریکا. در حالی که حجم مبادلات با اتیوپی که رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه سفرش به آنجا می‌رود، یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار بود که ونزه آمریکا در اینجا نیز ۱/۵ میلیارد دلار سنگین‌تر بود.

سـال ۲۰۱۴ واردات کشورهای آفریقایی به آمریکا در چارچوب این برنامه رقم نزدیک به ۱۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بود که با این حال ۴۷ درصد نسبت به سـال گذشته کاهش داشت و علت آن هم سقوط ۵۵ درصدی واردات نفت بود. ۵ کشور که بیشترین سود را از این برنامه بردند عبارتند از آنگولا، نیجریـه، آفریقای جنوبی، چاد و گابن. کنیا در بین ۱۰۰ کشـور اول است. در مقایسـه با چین و اتحادیه اروپایی باید خاطرنشان کرد مبادلات بین اروپا با آفریقا بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار در سال اسـت و مبادلات تجاری اتحادیه اروپایی با این قاره به حدود ۱۴۰ میلیارد دلار می‌رسد که آمریکا فاصله بسیار زیادی با آنها دارد.

خبرگزاری فرانسه

اهداف اصلی سرخ خالد مشعل به عربستان چه بود؟

از زمان بروز کودتای سیاسـی در عربسـتان، یعنی از زمان روی کار آمدن ملک سـلمان بن عبدالعزیز در این کشـور و تغییرات سیاسـی که این تغییر باعث به دنبال داشت، پیوسته اخباری از سفر هیأتی از حماس به عربستان منتشر می‌شد، این اخبار براسـاس سیاسـت‌های جدید ریاض برای محاصره کردن ایران، خارج کردن برخی پرونده‌های منطقه‌ای مثل قضیه فلسطین از دست تهران و در ادامه ساماندهی ائتلاف سـنی‌های منطقه از طریق ایجاد ائتلاف عربستان، مصر و ترکیه بوده است. ائتلاف‌هایی کـه در چارچوب یک هدف یعنی مقابله با نفوذ منطقه‌ای تهران اعلام می‌شود. با این حسـاب میزبانی عربستان از خالد مشعل و همراهانش را نمی‌توان اقدامی اتفاقی دانست.

این سفر همزمان با توافق هسته‌ای وین میان ایران و کشورهای ۵+۱ انجام شد، توافقی که به نظر می‌رسد عربستان و کشورهای عربی منطقه طرف بازنده آن باشند. اما این موفقیت تیرگی در روابط عربستان و اخوان‌المسلمین را در پی نداشت و همچنان ریاض از اخوان حمایت می‌کند. حتی اعزام سـفیر مصر به تل‌آویو هم باید در چارچوب سیاسـت جدید مصر تلقی شود زیرا مصر می‌خواهد ایگوئه وانمود کند که بهبود روابطش با حماس به معنی موضع‌گیری علیه اسرائیل نیسـت».

روزنامـه «ال‌مانیتور» نیز نوشـت: «حماس می‌خواهد نقش عربسـتان در پرونده فلسـطین پررنگ شود تا از موفقیت این کشـور برای لغو محاصره نوار غزه و پایان دادن به شکاف داخلی با جنبش فتح بهره ببرد و همزمان روابطش را با مصر بهبود بخشـد و به بحران مالی حماس که نتیجه قطع کمک‌های ایران اسـت، پایان دهد. ایران از سـال ۲۰۱۱، به دلیل اینکه حماس از نظام «بشـار اسـد» در سوریه حمایت نکرد، کمک‌ها به این جنبش را قطع کرد». در هر حال دیدار مشعل از عربستان با ۳ هدف متفاوت انجام شد.

کارشناسان می‌گویند این سفر در زمانی انجام شده است که بسیار بااهمیت است. آنگاه که زمان این سفر را بااهمیت می‌دانند برای ادای احترام به موادی چون شرایط خاورمیانه و خلیج فارس، ایران پس از توافق هسته‌ای علاقه‌مندی حماس به بهره‌برداری از جایگاه عربستان درکاهش محاصره غزه، علاقه‌مندی این جنبش برای بهبود روابط با مصر و تلاش برای کاهش شکاف‌های داخلی در فلسطین اشاره می‌کنند به همین دلیل معتقدند سفر مشعل و همراهانش به عربستان ۳ هدف را دنبال می‌کند.

۱- تلاش برای نهایی کردن آشتی داخلی فلسطین

۲- میانجی شدن پادشاه عربستان میان حماس و فاهره با هدف محقق شدن یکی از اهداف اصلی، یعنی گشوده شدن گذرگاه رفح

۳- همانگونه برای دوران پس از توافق هسته‌ای ایران با غرب در امور منطقه

«عبدالقادر یاسین» اندیشمند فلسطینی می‌گوید: «عربستان پناهگاه اول حماس است بویژه اینکه این کشور در حال حاضر وزن سنگینی در جهان عرب دارد در نتیجه حماس برای پایان دادن به مشکلاتش با مصر دست به دامان عربستان شده است. تبعات سـفر اعضای هیأت حماس بیش از آنکه برای عربسـتان بارزش برای حماس است زیرا پرونده‌هایی که مطرح اسـت بیشتر به حماس بازمی‌گردد و یکی از این پرونده‌ها به مرگ ملک «عبدالله بن عبدالعزیز» و آغاز پادشـاهی ملک سـلمان در عربستان، حماس پی برد راه بهبود روابط با مصر که با بسـتن گذرگاه رفح مشکلات ناشی از محاصره نوار غزه را مضاعف کرده بود، این اسـت که روابطش را با عربسـتان بهبود بخشـد و چندان به بهبود روابط با ایران نزدیک نشود. البته حماس سعی نکرد از ایران که در واقع اصلی‌ترین حامی مالی و تسـلیحاتی‌اش بود، کاملا دور شود. این جنبش در این مدت زمان، راهی میانه را در پیش گرفت تا واکنش عربستان را در برابر درخواست دوستی با حماس بیازماید. عربسـتان نیز در فاصله کوتاهی پاس‌های مثبت برای حماس ارسال کرد. منابع خبری در عربسـتان از فشار این کشـور بر مصر خبر دادند تا فاهره دنبال داشت. پیوسته اخباری از سفر هیأتی از حماس به عربستان منتشر می‌شد، این اخبار براسـاس سیاسـت‌های جدید ریاض برای محاصره کردن ایران، خارج کردن برخی پرونده‌های منطقه‌ای مثل قضیه فلسـطین از دست تهران و در ادامه ساماندهی ائتلاف سـنی‌های منطقه از طریق ایجاد ائتلاف عربستان، مصر و ترکیه بوده است. ائتلاف‌هایی کـه در چارچوب یک هدف یعنی مقابله با نفوذ منطقه‌ای تهران اعلام می‌شود. با این حسـاب میزبانی عربستان از خالد مشعل و همراهانش را نمی‌توان اقدامی اتفاقی دانست.

این سفر همزمان با توافق هسته‌ای وین میان ایران و کشورهای ۵+۱ انجام شد، توافقی که به نظر می‌رسد عربستان و کشورهای عربی منطقه طرف بازنده آن باشند. اما این موفقیت تیرگی در روابط عربستان و اخوان‌المسلمین را در پی نداشت و همچنان ریاض از اخوان حمایت می‌کند. حتی اعزام سـفیر مصر به تل‌آویو هم باید در چارچوب سیاسـت جدید مصر تلقی شود زیرا مصر می‌خواهد ایگونه وانمود کند که بهبود روابطش با حماس به معنی موضع‌گیری علیه اسرائیل نیسـت».

روزنامـه «ال‌مانیتور» نیز نوشـت: «حماس می‌خواهد نقش عربسـتان در پرونده فلسـطین پررنگ شود تا از موفقیت این کشـور برای لغو محاصره نوار غزه و پایان دادن به شکاف داخلی با جنبش فتح بهره ببرد و همزمان روابطش را با مصر بهبود بخشـد و به بحران مالی حماس که نتیجه قطع کمک‌های ایران اسـت، پایان دهد. ایران از سـال ۲۰۱۱، به دلیل اینکه حماس از نظام «بشـار اسـد» در سوریه حمایت نکرد، کمک‌ها به این جنبش را قطع کرد». در هر حال دیدار مشعل از عربستان با ۳ هدف متفاوت انجام شد.

کارشناسان می‌گویند این سفر در زمانی انجام شده است که بسیار بااهمیت است. آنگاه که زمان این سفر را بااهمیت می‌دانند برای ادای احترام به موادی چون شرایط خاورمیانه و خلیج فارس، ایران پس از توافق هسته‌ای علاقه‌مندی حماس به بهره‌برداری از جایگاه عربستان درکاهش محاصره غزه، علاقه‌مندی این جنبش برای بهبود روابط با مصر و تلاش برای کاهش شکاف‌های داخلی در فلسطین اشاره می‌کنند به همین دلیل معتقدند سفر مشعل و همراهانش به عربستان ۳ هدف را دنبال می‌کند.

۱- تلاش برای نهایی کردن آشتی داخلی فلسطین

۲- میانجی شدن پادشاه عربستان میان حماس و فاهره با هدف محقق شدن یکی از اهداف اصلی، یعنی گشوده شدن گذرگاه رفح

۳- همانگونه برای دوران پس از توافق هسته‌ای ایران با غرب در امور منطقه

«عبدالقادر یاسین» اندیشمند فلسطینی می‌گوید: «عربستان پناهگاه اول حماس است بویژه اینکه این کشور در حال حاضر وزن سنگینی در جهان عرب دارد در نتیجه حماس برای پایان دادن به مشکلاتش با مصر دست به دامان عربستان شده است. تبعات سـفر اعضای هیأت حماس بیش از آنکه برای عربسـتان بارزش برای حماس است زیرا پرونده‌هایی که مطرح اسـت بیشتر به حماس بازمی‌گردد و یکی از این پرونده‌ها به مرگ ملک «عبدالله بن عبدالعزیز» و آغاز پادشـاهی ملک سـلمان در عربستان، حماس پی برد راه بهبود روابط با مصر که با بسـتن گذرگاه رفح مشکلات ناشی از محاصره نوار غزه را مضاعف کرده بود، این اسـت که روابطش را با عربسـتان بهبود بخشـد و چندان به بهبود با ایران نزدیک نشود. البته حماس سعی نکرد از ایران که در واقع اصلی‌ترین حامی مالی و تسـلیحاتی‌اش بود، کاملا دور شود. این جنبش در این مدت زمان، راهی میانه را در پیش گرفت